



۲۰۱۸/۱۲/۰۷



امیر رنجبر

پروسه صلح راه دشوار و طولانی

پروسه صلح افغانستان در این روزها نسبت به گذشته، بیشتر شتاب گرفته است و امید می رود که این بار نمایندگان طالبان و حکومت افغانستان بتوانند بیشتر به هم نزدیک شوند. طالبان تا هنوز در خصوص گفتگوهای مستقیم با دولت افغانستان اعلام آمادگی نکرده است. طالبان پیوسته اصرار دارد که به جای حکومت افغانستان، مستقیماً با ایالات متحده آمریکا وارد گفتگو شود. استدلال طالبان بر اینست که در افغانستان جنگ اصلی میان نیروهای طالبان و آمریکا وجود دارد. هرچند که نیروهای امریکائی و ناتو مدتی است که فعالیت های نظامی و جنگی را به نیروهای افغان واگذار کرده اند و صرفاً نقش مشورتی و آموزشی را برعهده دارند. با این هم طالبان ایالات متحده آمریکا را تصمیم گیرنده اصلی در قضایای افغانستان، می داند.

علیرغم خوشبینی های موجود در پروسه صلح افغانستان، باز هم نگرانی های جدی وجود دارد که این بار هم پروسه صلح آن طور که انتظار می رود در زمان نسبتاً خیلی زود به سرانجام نخواهد رسید. نگاه به گذشته طولانی پروسه صلح افغانستان این گمانه زنی ها را بیشتر تقویت می کند. تلاش ها برای مذاکره با طالبان و حل منازعات به صورت مسالمت آمیز از دوره ریاست جمهوری اول حامد کرزی آغاز شد ولی هیچگاه به موفقیت نرسید. حکومت وحدت ملی نیز از بدو تشکیل، تلاش های زیادی را برای آغاز پروسه صلح با طالبان انجام داد. رئیس جمهور غنی در اولین اقدام بعد از تشکیل حکومت، به پاکستان رفت تا صفحه جدیدی از روابط با پاکستان را باز کند تا به صورت جدی در پروسه صلح افغانستان نقش ایفا کند. رئیس جمهور غنی در این سفر مهلت ۹۰ روزه ای را تعیین کرد تا در جریان این مدت مقامات پاکستانی به تعهدات شان در قبال آغاز پروسه صلح افغانستان عمل کنند. رئیس جمهور غنی قصد داشت تا با حکومت نظامی و ملکی پاکستان اتمام حجت کرده و به جامعه جهانی ثابت کند که حکومت افغانستان تعهد سیاسی کافی برای تعامل با پاکستان دارد. پس از آن دولت افغانستان تلاش دیپلماتیک را با عنوان «نشست های چهارجانبه صلح افغانستان» روی دست گرفت.

پروسه استانبول و همچنین پروسه کابل نتیجه ملموسی برای پروسه صلح افغانستان، در قبال نداشت. از دیگر جانب مذاکرات طالبان و پروسه نمایندگی قطر نیز در پروسه صلح کمک چندانی نکرد و امریکا هم از تعقیب روند صلح اظهار خستگی کرد.

اما مردم و حکومت افغانستان با تمام ناامیدی ها و مصارف گزاف، همچنان پروسه صلح را در افغانستان تعقیب کرده است. چه آنکه صلح دایمی، استوانه اساسی توسعه را در افغانستان شکل می دهد. حکومت وحدت ملی در طول این مدت تنها یک تجربه عملی صلح با یکی از طرف های درگیر جنگ در افغانستان را در کارنامه خود رقم زد. حکومت افغانستان توانست تا یک پروسه مذاکره صلح با حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار را

به سرانجام برساند. همین امر حکومت افغانستان را انگیزه بخشیده است تا گفتگوهای صلح را با طالبان ادامه بدهد بلکه سرانجام به یک ختم موفقیت آمیز نایل گردد.

براساس همین تجربه بود که ریاست جمهوری افغانستان در سال جاری یک طرح صلح را بعنوان مذاکرات بدون قید و شرط با طالبان اعلام کرد. بر مبنای این طرح، طالبان به عنوان یک گروه سیاسی به رسمیت شناخته می شد و زندانیان این گروه آزاد و رهبران طالبان از فهرست سیاه سازمان ملل خارج می گردید. اما طالبان هر چند که در برابر این طرح مقاومت کرد و آن را نپذیرفت ولی این طرح برای آنان کاملاً بی تأثیر هم نبود. حکومت افغانستان تلاش کرد که گروه طالبان را از لحاظ سیاسی در جامعه بین المللی نیز به انزوا بکشد. کنفرانس علمای اسلامی در اندونیزیا و سرانجام فتوای دسته جمعی علمای افغانستان مبنی بر غیردینی خواندن جنگ طالبان در افغانستان، از لحاظ روانی طالبان را تحت فشار شدید قرار داد و انتظار بر این بود که طالبان برای گفتگوهای صلح بیشتر ترغیب شود که شواهد نیز همین امر را تأیید می کرد. حکومت افغانستان طرح آتش بس را در اعیاد گذشته نیز در ادامه همان سیاست یاد شده، روی دست گرفت.

البته باید خاطر نشان کرد که تلاش های امریکا و پاکستان مخصوصاً تحت فشار قرار گرفتن پاکستان از جانب امریکا برای اعمال فشار بر طالبان را در این مورد نمی توان بی تأثیر تلقی کرد. طالبان نیز بنا به دلایل یاد شده به دنبال نهایت استفاده از این طرح آتش بس بود.

نگرانی که در مورد تطبیق آتش بس اعلام شده از سوی طالبان، برای مردم و حکومت افغانستان وجود داشت به چند دستگی در میان شاخه های متعدد طالبان بر می گشت. پس از مرگ ملا محمد عمر، رهبر پیشین طالبان در سال ۲۰۱۵ این گروه به چند شاخه تقسیم شده است. رعایت آتش بس از سوی جنگجویانی که تحت فرماندهی فرماندهانی از شاخه های گوناگونی طالبان می جنگند، جای شک و تردید زیادی را به وجود آورده بود. اما رعایت آتش بس در سه روز اعلام شده، یکدستگی طالبان را نشان داد.

هر چند که آتش بس موقت از جانب طالبان تمدید نشد، ولی دست کم حکومت بهانه خوبی برای مذاکره با طالبان بر سر آتش بس طولانی تر به دست آورد. ولی موضعگیری طالبان در فرجام آتش بس، ثابت ساخت که حکومت افغانستان ناگزیر است بر قدرت نیروهای نظامی و عملیاتی خود بیفزاید و بر رهبری نظامی و جنگجویان طالبان در افغانستان ثابت نماید که طالبان جز صلح و مذاکره دیگر چاره ی ندارد. تا طالبان در میدان های جنگ ناکامی خود را احساس نکند با رفتارهای مدارا جویانه هرگز دست از دهشت افگنی برنخواهد داشت. حکومت باید برای طالبان این واقعیت را عملاً ثابت سازد که در شرایط متفاوت با حاکمیت خلق و پرچم به سر می برد تا الگوهای ذهنی گروه طالبان و حامیان شان نسبت به شرایط موجود کاملاً تغییر کند. علاوه بر این دولت افغانستان از لحاظ دیپلماتیک نیز تمام تلاش خودش را به کار ببندد تا به کشورهای حامی طالبان این را تفهیم کند که حکومت افغانستان در شرایطی قرار ندارد که با گذشته قابل مقایسه باشد. کشورهای حامی طالبان نیز در برداشت های خود اشتباه بزرگی را مرتکب می شوند. حتی اگر بپذیریم که حکومت افغانستان از لحاظ قدرت و منابع مورد نیاز چندان در وضعیت خوب قرار نداشته باشد. ولی باید به خاطر سپرده شود که مردم افغانستان دیگر آن مردم دوران خلق و پرچمی نیست. مردم افغانستان با تمام توان بر حفظ دست آوردهای مدنی و دموکراتیک هجده سال گذشته اصرار می ورزد و از حاکمیت دوباره گروه های افراطی به شدت ابراز بیزاری می کند. پایان